

خواستگاری

از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی

دکتر اسدالله لطفی / فتح الله قربانی

دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی / دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی

چکیده

در خصوص ازدواج، مرسوم است که پیش از آن، مرد به خواستگاری زن می‌رود؛ یعنی از زنی درخواست ازدواج می‌کند. خواستگاری جایز و مشروع دارای شرایطی است که با توجه به آن شرایط، احکام متعددی دارد. از طرفی، خواستگاری یا به طور صریح و روشن است و یا به طور تعریض و کنایه. همچنین خواستگاری ممکن است توسط شوهر سابق از زن مطلقه‌اش باشد یا از زنی که در ایام عدّه به سر می‌برد. نیز ممکن است خواستگاری از زنی باشد که فرد دیگری پیش از او از آن زن خواستگاری کرده است و یا اینکه زنی از مردی خواستگاری نماید. با وجود این حالات مختلف، احکام آن هم متفاوت می‌باشد.

در عین حال، از نظر مذاهب اسلامی هم ممکن است اختلافاتی در احکام مربوط به خواستگاری وجود داشته باشد. این مقاله به بیان شرایط و احکام خواستگاری و تبیین ادله و مبانی فقهی آن از نظر مذاهب اسلامی پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: خواستگاری، آداب، حکم، موانع، شرایط.

مقدمه

خواستگاری یک رسم دیرینه در میان بشر بوده که مطابق فطرت و طبیعت انسان، امری طبیعی و مقدمه‌ای مهم بر پیمان زناشویی است. این قاعده حتی در مورد حیوانات هم کم و بیش جاری است و رجوع و درخواست مخالف، غالباً و بیشتر از ناحیه جنس مذکر آغاز می‌گردد. این حالت یک امر عرفی است که از فطرت زن و مرد نشأت می‌گیرد؛ زیرا مرد خواهان است و زن خوانده، مرد طالب است و زن مطلوب، مرد قاصد است و زن مقصود. فطرت مرد، طلب و نیاز است و فطرت زن، جلوه و ناز. خواستگاری مرد از زن به خاطر بالا بودن ارزش، حیثیت، لطافت و ظرافت زن است. گوهر را در موزه نگهداری می‌کنند و خواستاران برای دیدن آن موجود ارزشمند به سراغش می‌روند. خلاف فطرت و احترام شخصیت زن است که به دنبال مرد برود. برای مرد قابل تحمل است که از دختری خواستگاری کند و جواب منفی بشنود، بهانه آورد و ناز کند؛ اما برای زن که قرار است معشوق مرد واقع گردد و قلب مرد را تسخیر کند قابل تحمل نیست که مردی را به همسری خود دعوت کند و احیاناً جواب رد بشنود. (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۸) دین مبین اسلام هم که بر اساس فطرت انسانی است (فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا. روم: ۳۰)، بر این رویه فطری و طبیعی صحّه گذاشته و بر این مبنا در قرآن کریم، مردان مخاطب از دواج واقع شده‌اند و به طور مستقیم به آنان امر فرموده است که نسبت به انتخاب همسر اقدام نمایند: «فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ» (نساء: ۳)؛ با زنان پاک از دواج نمایید. از نظر شرعی نیز فقها عمل خواستگاری را مستحب دانسته‌اند و به طور کلی، جواز خواستگاری از زنان در غیر موارد ممنوعه مورد اتفاق و اجماع فقهاست. رسول خدا... نیز خود این عمل را انجام داده

است. همچنین رویه مردم در طی قرون، اعصار و زمان‌ها و مکان‌های مختلف همواره بر این امر جاری بوده است.

ماهیت خواستگاری از دیدگاه فقهی

خواستگاری در عرف جامعه و همچنین از نظر فقهی به عنوان مقدمه ازدواج به شمار می‌رود. با توجه به اهمیت ذی‌المقدمه، مقدمه هم مهم تلقی می‌شود؛ زیرا خواستگاری موجب آشنایی مرد با طرف مقابلش می‌شود. در خواستگاری، دو طرف با روحیات و وضعیت همدیگر آشنا می‌شوند و همسر دلخواه خود را انتخاب می‌کنند. به همین دلیل، خواستگاری را «به پیشنهاد ازدواج از طرف مرد» تعریف کرده‌اند. خواستگاری از دیدگاه فقه عقد نیست، بلکه شبه‌عقد است. از آن حیث که در اسلام خواستگاری به روی خواستگاری دیگری که به وی جواب مثبت داده‌اند، جایز نیست (شلیبی، ۱۳۷۰ق، ص ۶۲/جعفری لنگرودی، ۱۳۶۷، ج ۱، صص ۸۰۳/همو، ۱۳۵۰، ج ۱، ص ۵۴۱)، در زبان عربی و نیز قرآن کریم به خواستگاری، «خِطْبَةُ» اطلاق می‌کنند. ریشه خِطْبَةُ از خَطَبَ به معنای تکلم و صحبت کردن بین دو نفر می‌باشد. به این دلیل به خواستگاری خِطْبَةُ می‌گویند که با صحبت کردن و اعلام تمایل پسر نسبت به دختر به طور رسمی در این جلسه صورت می‌گیرد. (طباطبائی، ۱۳۹۳ق، ج ۲، ص ۲۴۳) این تعریف در کتاب‌های فقهی نیز دیده می‌شود: «هی اظهار الرغبة فی الزواج بأمرأة معینة و اعلام المرأة ولیها بذالك وقد يتم هذه الاعلام مباشرة من الخاطب، او بواسطة اهله». (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۹، ص ۶۴۹۲) عمل خواستگاری پیش از مراسم عقد و اجرای صیغه نکاح صورت می‌گیرد و چنانچه مورد قبول واقع شود این فاصله زمانی میان خواستگاری و اجرای مراسم عقد شرعی را «نامزدی» می‌گویند. (حصری، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۳۰) خواستگاری ریشه مذهبی

نیز دارد و مورد توجه قانونگذار بوده است. به موجب ماده ۱۰۳۴ قانون مدنی، «هر زنی را که خالی از موانع نکاح باشد می‌توان خواستگاری کرد.» از نظر شرعی و قانونی، مادام که صیغه عقد نکاح جاری نشده، زن و مرد نسبت به هم بیگانه تلقی می‌شوند، گرچه خواستگاری صورت گرفته و مورد قبول نیز واقع شده باشد. قانونگذار خواستگاری پذیرفته شده را نیز وعده ازدواج می‌نامد و آن را قابل عدول می‌داند، ولی قابل عدول بودن وعده نکاح از اهمیت آن نمی‌کاهد. از مذاهب اسلامی و عقاید آنان نیز چنین برمی‌آید که به خواستگاری اهمیت می‌دهند و آن را مقدمه‌ای واجب برای ازدواج می‌دانند. در این مورد، روایات بسیاری نیز از طریق اهل سنت نقل گشته است. (حصری، ۱۴۰۶ق.ج ۱، ص ۳۲)

حکم خواستگاری

جمهور فقهای اسلام معتقدند خواستگاری جایز و مستحب است، ولی در حالات معینی حرام می‌شود. طبق نظر فقهای شیعه، خواستگاری زمینه‌ای مناسب و مقدمه واجب برای آغاز زندگی زناشویی به شمار می‌رود. زن و مرد در این جلسه همدیگر را می‌نگرند و فرصت آشنایی با وضعیت و روحیات همدیگر را پیدا می‌کنند. زن و خانواده‌اش در این مرحله در پی بررسی خلق و خو و سوابق مرد می‌باشند و مرد نیز زمان کافی برای آشنایی بیشتر با زن و اوصاف او را به دست می‌آورد. در پایان، دو طرف درباره مسائل مورد علاقه خود با یکدیگر گفت‌وگو می‌کنند و شروط خود را مطرح می‌نمایند. (حلی، ۱۴۰۴ق.ج ۲، ص ۵۶۹) بدین ترتیب، به این نتیجه می‌رسیم که خواستگاری، رسمی معقول و پسندیده می‌باشد. از این رو، حکم آن را از نظر شرعی مستحب می‌دانند. علامه حلی در این باره می‌گوید: در جواز خواستگاری از زنان، در مواردی که منع نشده است اختلافی نیست و اساساً مورد اتفاق فقها می‌باشد، بلکه

حق آن است که مستحب باشد؛ زیرا حضرت محمد . . . خود این عمل را انجام داده است و رویه مردم هم در زمان‌ها و مکان‌ها و شهرهای مختلف همواره بر این امر جریان داشته است؛ رویه‌ای که بر پسندیده بودن و استحباب خواستگاری دلالت دارد. (همان) فقهای شافعی معتقدند که حکم خواستگاری مثل حکم ازدواج است؛ زیرا خواستگاری را تابع ازدواج می‌دانند. ایشان بیان می‌دارند: اگر ازدواج مکروه باشد، خواستگاری هم بالتبع مکروه می‌باشد، و اگر ازدواج حرام باشد، خواستگاری هم حرام است. عده‌ای از فقهای این مذهب معتقد هستند که خواستگاری مقدمه ازدواج نیست؛ زیرا ازدواج بدون خواستگاری هم صورت می‌گیرد. (حصری، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۳۱)

انواع خواستگاری

معمولاً خواستگاری به دو صورت امکان‌پذیر است:

۱. **خواستگاری صریح:** در این خواستگاری، مرد یا خانواده او از کلماتی استفاده می‌کنند که مستقیماً و صریحاً و بدون کنایه از زن تقاضای ازدواج می‌نمایند و هیچ‌گونه کلام مبهمی به کار نمی‌برند. مثلاً، مرد به زن می‌گوید: من می‌خواهم با شما ازدواج کنم، و فقط معنای ازدواج از این نوع خواستگاری دریافت می‌شود.
۲. **خواستگاری به تعریض یا کنایه:** در این خواستگاری، مرد و خانواده‌اش از کلماتی که غیر مستقیم و کنایه‌وار است مقصود خود را ابراز می‌دارند. مثلاً، مرد به زن می‌گوید: من به تو علاقه مندم.

خواستگاری در قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم . . . مشروع قلمداد شده است. در این خصوص، خداوند متعال می‌فرماید: «ولا جناح علیکم فما عرضتم به من خطبة النساء أو اکنتم فی

انفسکم علم الله انکم ستذکرونهن و لکن لا تواعدوهن سراً الا ان تقولوا قولاً معروفاً و لا تعزوا عقدة النکاح حتی یبلغ الکتاب اجله» (بقره: ۲۳۵): باکی نیست بر شما که به خواستگاری آن زنان بر آید یا نیت ازدواج را در دل [بدون هیچ اظهار] داشته باشید. تنها خدا داند که از این پس از دل به زبان چه خواهید آورد ولیکن با آنها در پنهانی قرار و پیمانی نگذارید، مگر آنکه سخنی به میزان شرع گوید، ولی عزم عقد و ازدواج نکنید تا زمانی که مدت عده آنها سپری شود.

شرط خواستگاری

لازمه خواستگاری مشروع و قانونی، خواستگاری از دختر یا زنی است که ازدواج با او مشروع و قانونی باشد. بنابراین، خواستگاری هنگامی صحیح است که ازدواج با آن زن حرام نباشد. در صورتی که ازدواج با زنی حرام باشد، خواستگاری از او نیز حرام و ممنوع است، خواه حرمت دائمی باشد؛ مانند حرمت ازدواج با عمه و خاله، یا حرمت موقت؛ مانند حرمت ازدواج با خواهر زن پیش از آنکه نکاح خواهر قبلی منحل شده باشد. از مفهوم آیه «ولا جناح علیکم فیما عرضتم به من خطبة النساء» (بقره: ۲۳۵) حرمت تصریح به خواستگاری در عده وفات، از زانی که شوهر آنها وفات یافته، استفاده می شود. پس به طریق اولی، خواستگاری از زنی که شوهر دارد و همچنین از زانی که در عده طلاق رجعی به سر می برند، حرام است؛ زیرا مطلقه رجعیه در زمان عده در حکم زوجه است و هنوز علقه زوجیت به طور کامل از بین نرفته است و بدین سبب است که زوجین در ایام عده از همدیگر ارث می برند و بر مرد واجب است مسکن و نفقه زن را تضمین و تأمین کند، و شوهر سابق حق رجوع به همسر مطلقه خود را دارد. در قرآن کریم هم خداوند متعال می فرماید: «و بعلتهن احق بر دهن فی ذلک» (بقره: ۲۲۸)

خواستگاری از نامزد دیگری

در مذاهب اهل سنت به استناد برخی روایات نبوی، خواستگاری از زنی که قبلاً توسط مرد دیگر خواستگاری شده و آن زن موافقت خود را اعلام کرده است حرام و ممنوع اعلام شده است. مثلاً، در روایتی از قول پیامبر اکرم . . . نقل شده است: مؤمن، برادر مؤمن است و حلال نیست که در معامله برادر مؤمنش وارد شود و همچنین حلال نیست از زنی که برادر دینی او خواستگاری نموده، خواستگاری نماید، مگر اینکه او به هم بزند. همچنین از رسول خدا . . . نقل شده که فرمودند: هیچ‌یک از شما زنی را که مرد دیگر از او خواستگاری کرده خواستگاری ننمایید تا اینکه او از دواج کند یا منصرف گردد. (بخاری، ۱۴۰۱، باب ۴۵/مالک بن انس، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۵۳۲/زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۹، ص ۶۵۰/طحطاوی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۷۸/ابن قدامه، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۶۰۷/ابوزهره، ۱۹۳۶م، ص ۳۰/صابونی، ۱۹۷۹م، ص ۴۷)

در مذهب امامیه در این خصوص اختلاف نظر وجود دارد. جمعی از فقها از جمله شیخ طوسی و شهید اول، خواستگاری از زنی که قبلاً مرد مسلمانی از او خواستگاری کرده و مورد موافقت قرار گرفته است، حرام و ممنوع دانسته‌اند؛ به این دلیل که هم روایاتی در حرمت این نوع خواستگاری وجود دارند و هم اینکه چنین خواستگاری موجب آزار و اذیت و باعث دشمنی می‌شود. اما عده‌ای دیگر، از قبیل شهید ثانی و محقق حلی، چنین خواستگاری را مکروه دانسته و در تحلیل نظر خود آورده‌اند: اصل، بر عدم حرمت است، به علاوه اینکه وعده از دواج فی نفسه علقه‌ای بین زن و مرد ایجاد نمی‌کند، از این رو، همان طور که طرفین حق بر هم زدن نامزدی را دارند، خواستگاری دیگران نیز بلامانع است. مضافاً اینکه هر چند روایات این باب ظهور در حرمت دارند، ولی سند روایات مذکور ضعیف است. (فخرالمحققین، ۱۳۸۹ق، ج ۳، ص ۱۰/حلی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۵۶۹/همو، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۷/عاملی، ۱۴۰۶ق، ج ۵،

ص ۲۴۱ و ۲۴۲ / طباطبائی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۳۴۳) در مجموع، به نظر می‌رسد ادله گروه دوم قوی‌تر باشد؛ زیرا همان‌گونه که اشاره شد، خواستگاری صرفاً وعده ازدواج است و اصل بر اباحه است و جواز خواستگاری با آزادی اراده طرفین بیشتر سازگار است و مادامی که عقد نکاح بین طرفین منعقد نشده است، طرفین در انتخاب همسر آزاد می‌باشند.

در مورد خواستگاری از زنی که قبلاً مرد دیگر از او خواستگاری کرده ولی هنوز آن زن یا ولی او جوابی نداده‌اند، بیشتر فقها نظر به جواز داده‌اند (عاملی، ۱۴۰۶، ج ۵، ص ۲۴۲)؛ زیرا اصل، بر حلیت و عدم تحریم است و احادیثی که دلالت بر منع دارند، به لحاظ ضعف سندی، توانایی بر هم زدن اصل جواز را ندارند. مضافاً اینکه صرف پذیرش خواستگار و وعده ازدواج هیچ‌گونه علقه‌ای بین زن و مرد ایجاد نمی‌کند. همچنین در فقه امامیه به استناد فعل پیامبر که فاطمه بنت قیس را برای اسامه بن زید خواستگاری نمود، با وجود آنکه پیش از آن معاویه و ابو جهم از او خواستگاری کرده بودند، اما آن زن موافقت خود را اعلام نکرده بود، این حالت از خواستگاری را جایز دانسته‌اند. (حلی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۵۷۰) مطابق مذهب مالکیه نیز چنین خواستگاری شرعاً جایز شمرده شده است. (مالک بن انس، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۵۲۳)

حکم عقد خواستگار دوم

در فرضی که ذکر شد (حرمت خواستگاری دوم از زنی که فرد دیگری از او قبلاً خواستگاری کرده است)، حال اگر شخصی از چنین زنی خواستگاری کند و بعد از موافقت آن زن، او را به عقد خود در آورد، آیا عقد صحیح است یا باطل؟ فقهای امامیه به اتفاق چنین عقدی را صحیح دانسته، هر چند مرتکب را مستوجب عقاب می‌دانند. (عاملی، ۱۴۰۶ق، ج ۵، ص ۲۴۳)

در دلیل صحت چنین عقدی گفته می‌شود: اولاً، آیات و روایاتی که در باب توصیه به نکاح وارد شده است اطلاق دارد و مقید به موردی نیست که خواستگار دوم نباشد. ثانیاً، اینکه گفته می‌شود چنین خواستگاری حرام است، این حکم تکلیفی است، ولی صحت یا بطلان، حکم وضعی است؛ چنین نیست که هر حکم تکلیفی حرام، نتیجه و اثر وضعی آن بطلان باشد، بلکه همان گونه که در اصول فقه بیان شده است، موارد نهی در غیر عبادات و معاملات فی نفسه دلالت بر بطلان نمی‌کند. مذاهب شافعی، حنبلی و حنفی هم با نظر امامیه موافق هستند که چنین عقدی صحیح است. لیکن از مذهب مالکی سه قول نقل شده که در یک قول، عقد نکاح را در چنین وضعیتی باطل دانسته‌اند. (ابن قدامه، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۵۲۰/حلی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۵۷۰)

خواستگاری زن از مرد

همان گونه که بیان گردید، معمولاً خواستگاری از جانب مرد صورت می‌گیرد (محقق داماد، ۱۳۶۸، ص ۲۵/مطهری، ۱۳۷۸، ص ۳۸) ولیکن این بدان معنا نیست که خواستگاری کردن زن از مرد حرام و ممنوع باشد، بلکه مطابق اصل اباحه، باید قایل به جواز خواستگاری زن از مرد شد. به علاوه اینکه از اصول و قواعد شرعی استفاده می‌شود که در عقد ازدواج اصلی‌ترین مرجع تصمیم‌گیرنده زن و شوهر هستند و این مطلب به رغم محدودیت‌هایی که برای زنان وجود دارد، جالب توجه است که آیه ۲۳۰ سوره «بقره» نکاح را به زن نسبت می‌دهد و تحقق آن را به اراده او می‌داند و این زن است که با جواب مثبت خود به درخواست مرد، نکاح را متحقق می‌گرداند. در سیره نبوی هم در تاریخ اسلام نقل شده است که در خصوص

از دواج حضرت خدیجه *f* با رسول اکرم . . . ، در خواست از جانب خدیجه آغاز گردید.

(سبحانی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۳۰)

در سایر مذاهب اسلامی نیز خواستگاری زن از مرد جایز شمرده شده است. در مذهب مالکیه، همچنان که جایز است زن از مرد خواستگاری کند، به زن اجازه داده شده است که از میان خواستگاران متعدد خود، یکی را انتخاب نماید و به آن کس که دوست دارد ابراز علاقه کند. در این خصوص، به قضیه زنی اشاره کرده‌اند که به رسول خدا . . . گفته بود: من تمایل به ازدواج دارم، و آنگاه پیامبر . . . به مسجد رفت و اعلام نمود: این زن از من طلب خواستگاری نموده است، کدام یک از شما حاضرید با او ازدواج نمایید؟ آنگاه مردی اعلام نمود: من حاضرم، لیکن چیزی به عنوان مهریه ندارم. پیامبر اکرم . . . فرمود: آیا از قرآن و معانی چیزی آگاه هستی؟ گفت: آری. پیامبر اکرم . . . فرمود: تعلیم قرآن را مهریه این زن قرار بده. (مسلم، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۶۹) در صحیح مسلم در توضیح این حدیث آمده است: در این روایت روشن است که آن زن از مردی نامعین از پیامبر طلب خواستگاری کرد و در امر خواستگاری معادله متعارف را بر هم زد؛ زیرا خواستگاری معمولاً و عرفاً از ناحیه مرد صورت می‌گیرد. لیکن خواستگاری زن از مرد هم از موارد ممنوع نیست؛ زیرا اگر این کار ممنوع بود، پیامبر اکرم . . . این زن را سرزنش می‌نمود و برای او خواستگاری نمی‌کرد. در مذاهب شافعی، حنبلی و حنفی نیز خواستگاری زن از مرد جایز شمرده شده است، هر چند در مذهب شافعی خواستگاری زن از مرد را خلاف حیا و نوعی خفت و سبکی اخلاقی برای زن دانسته‌اند. (کاشانی، ۱۳۷۷ق، ج ۳، ص ۲۰۴/بجیرمی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۸۰/باجوری، ۱۳۶۹ق، ج ۲،

قرآن کریم از وقوع چنین امری در گذشته و دوران پیش از اسلام خبر می‌دهد: داستان حضرت موسی [†] زمانی که وارد شهر مدین شد و به کمک دختران حضرت شعیب شتافت. یکی از دختران شعیب در عین حجب و حیا، و با وقار و کمال عفت نزد پدرش رفت و تقاضای ازدواج با حضرت موسی را مطرح کرد و پدر را در خواستگاری از مرد مورد پسند خود واسطه قرار داد و چنین گفت: «ای پدر، این مرد را به خدمت خود اجیر کن؛ زیرا بهترین فردی که باید به خدمت بر گزیده شود کسی است که امین و توانا باشد». و حضرت شعیب این امر را پذیرفت و به حضرت موسی گفت: «اینی ارید ان انکحک احدی ابتنی هاتین علی ان تأجرنی ثمانی حجج فإن اتممت عشرأ فمن عندک» (قصص: ۲۷)؛ من قصد دارم یکی از دو دختر خود را به نکاح تو در آورم با این مهریه که مدت هشت سال اجیر من باشی و اگر خواستی ده سال تمام باشد به میل و اختیار تو.

موانع خواستگاری

با توجه به اینکه گفته شد خواستگاری باید از دختر یا زنی صورت گیرد که ازدواج با او مشروع و قانونی باشد، در ماده ۱۰۳۴ قانون مدنی مقرر شده است: «از هر زنی که خالی از موانع نکاح باشد می‌توان خواستگاری کرد.» مفهوم مخالف این ماده این است که از زنان دارای موانع نکاح، مانند زنان محارم و زنان شوهر دار نمی‌توان خواستگاری کرد. این ماده مشتمل بر دو مطلب است: ۱. جواز خواستگاری از زنان خالی از موانع؛ ۲. عدم جواز خواستگاری از زنان دارای موانع. (محقق داماد، ۱۳۸۰، ص ۲۷)

علامه حلی در تذکرة الفقها متعرض شقوق مسئله شده‌اند که خلاصه کلام ایشان برای

روشن شدن منطوق و مفهوم ماده نقل می‌شود:

۱. خواستگاری از زنی که خالی از نکاح و عده است، تصریحاً و تعریضاً جایز است.
۲. خواستگاری از زن شوهردار تصریحاً و تعریضاً حرام و ممنوع است.
۳. خواستگاری از زنی که مطلقه است و در ایام عده به سر می‌برد از جانب غیر شوهر تصریحاً و تعریضاً حرام و ممنوع است.
۴. خواستگاری از زنی که در عده سه طلاقه است، از سوی زوج به صورت تعریض و کنایه جایز است، ولی زوج و سایرین حق خواستگاری از این زن را به صورت تصریح ندارند.
۵. خواستگاری از زنی که در عده وفات است به صورت تعریض جایز، ولی به صورت تصریح ممنوع است.
۶. خواستگاری از زنی که در ایام عده طلاق بائن به سر می‌برد (مثل طلاق خلع)، یا زنی که ازدواج او با همسرش فسخ گردیده، توسط زوج به تصریح و تعریض جایز، ولی توسط دیگران فقط به تعریض جایز است.
۷. خواستگاری از زنی که به علت لعان یا علل دیگر در ایام عده نه طلاقه به سر می‌برد، تصریحاً یا تعریضاً از سوی زوج حرام است. (حلی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۵۷۲)

خواستگاری از زن شوهردار و مطلقه رجعیه

جمهور فقهای مذاهب اسلامی، خواستگاری از همسر دیگری را حرام و ممنوع می‌دانند؛ زیرا آبرو و ناموس مسلمان همچون جان و مال وی محترم است. (نجفی، ۱۴۰۱ق، ج ۳۰، ص ۱۱۹/زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۹، ص ۶۴۹۸) بدین روی هیچ دیندار و بلکه خردمندی چنین اقدام و تعریض ناروایی را به ناموس خویش تحمل نمی‌کند. البته روا دانستن چنین عمل ناپسندی از لحاظ اجتماعی هم مفاسد زیادی را به دنبال دارد. در فقه اسلامی معروف است که زن مطلقه

رجعیه در زمان عدّه در حکم زوجه می‌باشد؛ از این رو، شرع اسلام دوران عدّه رجعی را به گونه‌ای قرار داده تا امکان بازگشت شوهر و استمرار زندگی زناشویی سابق بدون نیاز به عقد جدید فراهم باشد. بر این اساس، فقها همانند صورت قبل بر حرمت خواستگاری مرد اجنبی از چنین زنی اتفاق نظر دارند. (نجفی، ۱۴۰۱ق.ج. ۳۰، ص ۱۱۹/حلی، ۱۴۰۴ق.ج. ۲، ص ۵۷۰) البته بازگشت شوهر در زمان عدّه و شروع زندگی مشترک به معنای رجوع زوج است نه به معنای خواستگاری شوهر. در سایر مذاهب اسلامی خواستگاری کردن از زن صاحب عدّه طلاق رجعیه و بائن بر غیر شوهر حرام دانسته شده است، چه به تصریح و چه به صورت تعریض. فقهای مذهب شافعیه معتقدند که صاحب عدّه طلاق رجعیه در حکم زوجه می‌باشد. بنا به نظر فقهای مذهب حنفی، خواستگاری از چنین زنی به تعریض و تصریح حرام است؛ اما رأی دیگری نیز در این زمینه دارند که تعریض به خواستگاری از چنین زنی را جایز می‌دانند، ولی قول راجح و همان قول اول، حرمت است. نظر فقهای مذهب حنبلی موافق با فقهای مذهب شافعیه و حنفیه است، اما فقهای مذهب مالکی معتقدند: خواستگاری کردن از زنی که در طلاق رجعیه است به صورت تعریض برای غیر شوهر جایز است. (حصری، ۱۴۰۶ق.ص ۳۵)

خواستگاری از زنی که در عدّه طلاق بائن است

در طلاق سوم زوجه، زن به طور موقت بر شوهر قبلی خود حرام می‌گردد و عقد نکاح بین آنها حرام است جز با انتخاب محلل؛ یعنی زن به تزویج مرد دیگری در آید و سپس طلاق بگیرد، آنگاه با شوهر قبلی خود تزویج کند. خواستگاری از چنین زنی در دوران عدّه به صورت تصریح از سوی هر مردی (چه شوهر سابق و چه مردان دیگر) منع گردیده و صرفاً

خواستگاری به طور تعریض مجاز دانسته شده است. دلیل این منع، برگرفته از آیه ۲۳۵ سوره «بقره» می باشد. البته مفهوم و منطوق آیه، پیرامون عده وفات است، ولی فقهای اسلام آن را از این خصوصیت خارج کرده اند. (نجفی، ۱۴۰۱ق، ج ۳۰، ص ۱۲۰)

اما در اینکه چرا خواستگاری به تعریض از زن مطلقه ثلاثه برای شوهر و غیر شوهر جایز است، محقق حلی پاسخ داده است: زیرا آن زن که شوهر او راسه طلاق کرده است بر شوهر حرام ابدی نمی شود، بلکه بر آن مرد، حرام موقت است و مادامی که زن سه طلاقه با مرد دیگری از داوج می کند حرمت موقت برای او از بین می رود و شوهر سابقش می تواند دوباره از او خواستگاری نماید، و غیر او نیز می تواند خواستگاری کند. (حلی، ۱۳۸۱ق، ج ۱، ص ۵۲۶)

همچنین محقق حلی در علت جواز خواستگاری از زن صاحب عده طلاق رجعی و عده طلاق بائن به صورت تصریح، گفته است: زیرا در این هنگام زن در حکم زوجه برای شوهرش محسوب می گردد. (حلی، ۱۳۸۱ق، ج ۱، ص ۵۲۶)

اگر زنی به صورت طلاق خلع از همسرش جدا شده باشد، عده اش عده طلاق بائن است. در طلاق بائن برای بازگشت به زندگی مشترک قبلی، شوهر باید در انتظار تمام شدن عده باشد تا دوباره عقد نکاح را جاری سازد. از این رو، در زمان عده، شوهر سابق می تواند به صراحت یا به کنایه از زوجه مطلقه خواستگاری کند، اما مرد بیگانه در این دوران نمی تواند به صورت تصریح از وی خواستگاری نماید، هر چند می تواند به صورت تعریض و کنایه از وی خواستگاری کند. (نجفی، ۱۴۰۱ق، ج ۳۰، ص ۲۰) فقهای مذاهب مالکی، شافعی و حنبلی معتقدند: خواستگاری شوهر از همسرش که در عده طلاق بائن به سر می برد به صورت تصریح جایز است، اما برای غیر شوهر به صورت کنایه و تعریض جایز است. (حصری، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۴۰)

خواستگاری از زن مطلقه در ایام عدّه و زنی که در عدّه وفات است

فقه‌های مذاهب مالکی، شافعی و حنبلی خواستگاری کردن از زن مطلقه مختلعه را برای غیر شوهر به صورت تصریح جایز می‌دانند و خواستگاری به صورت تصریح از زنی که عدّه‌اش به پایان نرسیده باشد، مطلقاً حرام می‌دانند. ولی خواستگاری به صورت تعریض از چنین زنی را برای غیر شوهر جایز می‌دانند؛ اما زنی که لعان شده است خواستگاری از او به شکل تعریض و تصریح مطلقاً ممنوع است. فقه‌های مذاهب ظاهریه خواستگاری از زنی را که هنوز عدّه‌اش به پایان نرسیده است جایز نمی‌دانند. (ابن قدامه، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۵۴۰) مطابق موازین شرعی و ماده ۱۱۵۴ قانون مدنی، زنی که شوهرش فوت کرده باشد باید به مدت چهار ماه و ده روز از زمان فوت همسرش عدّه نگه دارد. از این رو، به منظور حفظ احترام شوهر سابق، خواستگاری صریح از چنین زنی در دوران عدّه ممنوع است. ولی با توجه به آیه ۲۳۵ سوره «بقره»، خواستگاری به صورت تعریض یا کنایه از چنین زنی فاقد نهی و منع است. (نجفی، ۱۴۰۱ق، ج ۳۰، ص ۱۲۳)

فقه‌های حنفی معتقدند: آیه ۲۳۵ سوره «بقره» در مقام بیان عدّه وفات است؛ زیرا پیش از این آیه سخن از زانی است که شوهرش فوت نموده: «والذین یتوفون منکم و یذرون ازواجاً یتربصن بانفسهن اربعة اشهر و عشراً»: مردانی که بمیرند و زنانشان زنده بمانند، آن زنان باید از شوهر کردن خودداری کنند تا مدت چهار ماه و ده روز بگذرد. ایشان همچنین معتقدند: مراد خداوند از جمله «لا تواعدوهن سراً» جماع است که حرام می‌باشد و خواستگار را ترغیب و تشویق می‌نماید به اینکه به صورت تعریض از چنین زنی خواستگاری نکند و در خلوت با او پیمان ازدواج نگذارد. فقه‌های شافعی معتقدند: تعریض به خواستگاری از زن صاحب عدّه وفات مباح است. فقه‌های مذهب مالکی این خواستگاری را با توجه به این قسمت از آیه که

می فرماید: «الا ان تقولوا قولاً معروفاً» جایز می دانند. فقهای حنبلی معتقدند: آیه «لا جناح علیکم فیما عرضتم به من خطبة النساء» افاده تعریض به خواستگاری از زن صاحب عدّه وفات می کند و امثال آن، مثل زن سه طلاقه، و زنی که نکاح او فسخ شده است (مثل لعان و غیره) به خاطر مانعی که داشته است شامل این حکم می شوند. اما آیه شامل صاحب عدّه طلاق بائن، زن مختلعه، و زنی که نکاحش به سبب غیبت او از همسرش فسخ شده است، نمی شود. فقهای فرقه ظاهریه معتقدند: نص آیه دلالت بر این دارد که به کنایه خواستگاری کردن از زنان صاحب عدّه مستحب است. (ابن قدامه، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۵۱۰) با توجه به آنچه گفته شد، معلوم می شود خواستگاری از زنان فاقد موانع نکاح و خالی از عدّه و بدون شوهر جایز است. با این حال، محدودیت های دیگری نیز وجود دارد که در ادامه نوشتار به آنها اشاره می شود.

خواستگاری برای عقد موقت

به نظر می رسد خواستگاری به نکاح دائم منحصر نمی شود و می توان برای نکاح موقت نیز خواستگاری کرد. خواستگار نکاح موقت نیز مانند خواستگار ازدواج دائم ممکن است مرد یا زن یا وکیل آنان باشد. شرایط و موانع خواستگاری برای نکاح موقت همان است که در ازدواج دائم گفته شد. بنابراین، خواستگاری برای ازدواج موقت با کسانی که ازدواج دائم با آنان حرام است، ممنوع می باشد. (صابونی، ۱۹۷۹ق، ص ۴۲/ابوزهره، ۱۹۳۶ق، ص ۲۲/شلبی، ۱۳۷۰ق، ص ۶۴)

مسئولیت ناشی از خواستگاری غیر مجاز

از جمله مسائل جدید که در امر خواستگاری در جامعه کنونی مطرح گردیده، خواستگاری ضرری می باشد که از مقتضیات عصر و جامعه جدید است. گروهی از فقها در خواستگاری و

مشروعیت نگاه کردن به زنی که از او خواستگاری می‌شود، گفته‌اند: علاوه بر فقدان موانع نکاح که از شرایط خواستگاری می‌باشد، باید اجابت و پذیرش تقاضای ازدواج از جانب زن نیز امکان داشته باشد؛ یعنی اینکه ما به خواستگاری کسی برویم که هم از موانع نکاح خالی باشد و هم مطمئن باشیم که به خواستگاری ما جواب مثبت می‌دهد؛ زیرا اگر مخطوبه با اصل خواستگاری مخالفت نماید، مشروعیت چنین اقدامی مورد تردید جدی قرار می‌گیرد. (حلی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۵۷۰) این مسئله تحت عنوان «خواستگاری ضرری یا ضرر آمیز» از حیث حکم تکلیفی و وضعی قابل بررسی می‌باشد. (عاملی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۲۴۱) در هر جامعه‌ای موارد متعددی می‌توان یافت که دخترانی با وجود شرایط سنی مناسب، با خواستگاری پسرها از آنان، به دلایلی مخالفت می‌نمایند و حاضر به ازدواج با آنها نمی‌باشند و در عین حال، خواستگاران سماجت و اصرار نموده و در معابر و محافل عمومی و یا تماس‌های تلفنی خود موجب سلب آرامش و آسایش آنها می‌شوند. زنانی نیز هستند که به هیچ روی حاضر به پذیرش مردانی با ویژگی‌هایی مثل سن بالا، هرزه‌گری، منزلت اجتماعی و دانش و علم پایین نیستند و حتی خواستگاری این‌گونه مردان از خود را نوعی توهین و تمسخر به شمار می‌آورند. حال اگر مردی با اطلاع از این وضعیت زن و احوال او و به قصد اصرار یا لجاجت، اقدام به خواستگاری نماید، علاوه بر اینکه به لحاظ اخلاقی مستحق منع و سرزنش است، بلکه به لحاظ وارد نمودن ضرر معنوی و آسیب روحی به زن مورد نظر، از دیدگاه شرع نیز سزاوار منع و نهی می‌باشد، به‌ویژه با توجه به مفاد قاعده «لا ضرر و لا ضرار»، اگر چنین منعی از طرف شرع وارد نشود و آن را قبیح نداند، تعرض به حریم خصوصی و مزاحمت و ایذاء دیگران بر خلاف شرع مبین اسلام است. به نظر می‌رسد که خواستگاری غیر مجاز حسب مورد دارای مسئولیت مدنی و کیفری است. هر گاه کسی آگاهانه و به عمد به خواستگاری

کسی برود که خواستگاری از او ممنوع و حرام است و در نتیجه این عمل که تقصیر به شمار می‌رود به دیگری زبانی برسد، زیان دیده می‌تواند از مقصر مطالبه خسارت نماید. به علاوه، هر گاه خواستگار مزاحمتی ایجاد کند یا خواستگاری توهین تلقی شود، مزاحم، مستوجب کیفر و مشمول مقررات تعزیری خواهد بود. (مستفاد از ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵) این در صورتی است که کسی با علم به غیر مجاز بودن خواستگاری، اقدام به خواستگاری نماید؛ چنان که کسی با علم به اینکه زنی شوهر دار است، به خواستگاری او برود. در این گونه موارد، اصل بر عدم علم، و ناآگاهی است و خلاف آن باید ثابت شود. بدیهی است این گونه خواستگاری‌ها نمی‌تواند به ازدواج منتهی شود؛ زیرا ازدواج به فرض تراضی طرفین نیز باطل است. پس خواستگاری در این موارد نیز خلاف قانون، و عمل بیهوده‌ای است که جز مزاحمت اثری بر آن بار نمی‌شود. (صفایی و امامی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۲) با وجود این، چنان که گذشت، هر گاه خواستگاری غیر مجاز از نامزد دیگری باشد و مورد قبول واقع شده، به ازدواج بینجامد، عدول ضمنی از نامزدی پیشین تلقی می‌شود و ازدواج صحیح است و برای خواستگار جدید و زن مسئولیتی پدید نمی‌آید (ماده ۳۵۰ ق.م.م)، مگر اینکه از روی تقصیر و نابهنگام باشد که در این صورت، هر گاه زبانی به نامزد قبلی وارد شده باشد، وی می‌تواند بر طبق قواعد عمومی مسئولیت مدنی از وارد کننده زیان خسارت مطالبه کند.

حکم نگاه کردن به زن مخطوبه

اصل اولی بر حرمت نگاه کردن مرد به اندام زن نامحرم و بالعکس می‌باشد. (سیحانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۱) قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «مردان مؤمن را بگو تا چشم‌هایشان را بپوشند

و فروج خود را محفوظ دارند که این بر پاکیزگی‌شان اصلح است و البته خداوند به هر چه می‌کنید کاملاً آگاه است و زنان مؤمن را بگو تا چشم‌هایشان را بپوشند و فروج خویش را محفوظ دارند و زینت و آرایش خود را جز آنچه به اجبار ظاهر می‌شود آشکار نسازند. «(نور: ۳۰-۳۱) شارع مقدس بنا بر حساسیت‌هایی که در امر ازدواج هست و آگاهی و شناخت طرفین را پیش از ازدواج تضمین‌کننده سلامت خانواده می‌داند، استثنایی قایل شده است و آن، جواز نظر به زن به قصد ازدواج می‌باشد. (طوسی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۳۵۷) البته به نظر فقیهان اسلام، منظور از جواز نگاه، نظر کردن شخص بالغ و عاقل و مختار به صورت و کف دستان و اندام زن بیگانه از روی لباس می‌باشد. (حلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۶/حکیم، ۱۳۹۲ق، ج ۱۴، ص ۱۴ بعد/نجفی، ۱۴۰۱ق، ج ۲۹، ص ۶۳ به بعد/زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۹، ص ۶۵۰۱-۶۵۰۶/سباغی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۱-۳۲/شلیبی، ۱۳۷۰ق، ص ۵۰ به بعد) این حکم در دوران نامزدی نیز اجرامی شود؛ زیرا از نظر فقهی، نامزدها زن و شوهر به شمار نمی‌روند. (نجفی، ۱۴۰۱ق، ج ۲۹، ص ۶۳) در این زمینه، به آیه شریفه «قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم...» (نور: ۳۰-۳۱)، اجماع محصل و منقول و نیز احادیث و روایاتی استناد گردیده است. از جمله احادیثی که فقهای اهل سنت به آن استناد نموده‌اند، حدیثی از ابوهریره است. متن حدیث چنین است: نزد پیامبر بودم که مردی بر ایشان وارد شد و به ایشان خبر داد: یا رسول‌الله، با زنی از انصار می‌خواهم ازدواج کنم. رسول‌الله فرمود: آیا در جلسه خواستگاری به او نظر افکنده‌ای؟ مرد گفت: خیر. پیامبر . . . فرمود: حتماً او را بنگر، هر آینه این امر به دوام زندگی شما کمک خواهد کرد. (مسلم، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۶۹/قرطبی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۲۲۰/شوکانی، ۱۹۷۳م، ج ۶، ص ۱۱۶/زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۹، ص ۶۵۰۱)

شرایط و حدود نگاه در خواستگاری

امام خمینی ع در **تحریر الوسیله** آورده‌اند: در صورتی که کسی اراده تزویج با فردی را داشته باشد و احتمال هم بدهد که ازدواج محقق خواهد شد، بدون نظر شهوت می‌تواند به تمام اعضای بدن وی به جز عورتین او نگاه کند، اگر چه تلذذ بعد از نگاه کردن حاصل شود، اما احتیاط مستحب این است که فقط به صورت و دست‌ها و محل زینت و موی سرش نگاه کند. (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۲۴۵، مسئله ۲۸) فقها در خصوص حدود نگاه مرد به زنی که می‌خواهد با او ازدواج کند اختلاف نظر دارند. شیخ طوسی معتقد است: در جواز نظر مرد به صورت زنی که قصد ازدواج با او را دارد، تردیدی نیست در اینکه می‌تواند به محاسن، دست و صورت او نگاه کند؛ همچنین جایز است به راه رفتن و پیکر او از روی لباس نظر افکند. (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۴۸۴) همچنین علامه حلی می‌نویسد: نظر افکندن به صورت زنی که قصد ازدواج با او را دارد جایز می‌باشد، همچنین به کف دست در حالی که ایستاده یا راه می‌رود نگاه کند و در روایت آمده است که نظر به موی سر و محاسن زن و اندام وی از روی لباس جایز است. (حلی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۶) بنابراین، در جواز نظر به صورت، و دست تا میچ بین فقها اتفاق نظر است، ولی بعضی مانند محقق حلی جواز نظر را فقط به همین دو مورد (کف دست‌ها و صورت) اختصاص داده‌اند. صاحب ریاض هم این دیدگاه را به مشهور نسبت داده است. (طباطبائی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰، ص ۶۲) البته این حکم به احتیاط نزدیک تر می‌باشد؛ زیرا اصل اولی، حرمت نظر است و نگاه کردن به همین مقدار (صورت و دست) مقصود محقق می‌باشد. از این رو، نگاه به سایر اندام زن تحت عدم حرمت باقی می‌ماند. (کرکی، ۱۴۱۱ق، ج ۱۲، ص ۲۷) اما صاحب جواهر ادعای شهرت صاحب ریاض را مورد تردید قرار داده و تحقق آن را

مشکوک دانسته است (نجفی، ۱۴۰۱، ج ۳۰، ص ۶۶)؛ زیرا صاحب ریاض معتقد است: نگاه کردن باید فراتر از کف و صورت زن باشد.

فقهای مذهب حنفی معتقدند: نگاه کردن مرد خواستگار به صورت زن و کف دست‌های او جایز است، بلکه نگاه کردن به سایر اعضای متعارف زن نیز مجاز می‌باشد. (ابن عابدین، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۰۲)

فقهای مذهب مالکی هم نگاه کردن به زن در مجلس خواستگاری را مستحب می‌دانند و در این باره به آیه «و لا یبدین زینتهن الا ما ظهر منها» (نور: ۳۱) تمسک می‌نمایند. در اینجا مراد از زینت، کف دست‌ها و صورت زن است و شامل زینت باطنی نمی‌شود، بلکه ظاهر کردن زینت باطنی را حرام می‌دانند. (ابن رشد، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۴) نظر فقهای مذهب شافعی نیز موافق با نظر فقهای مالکی است. مذهب حنبلی با استناد به این حدیث نبوی . . . که می‌فرماید: «اذا خطب احدکم المرأة، فان استطاع ان ینظر الی ما یدعوه الی نکاحها فلیفعل» (هر یک از شما که به خواستگاری زنی رفت، اگر توانست به او نظر افکند. این کار را احتمالاً انجام دهد و آن زن را بنگرد)، حدود نگاه را فراتر از کف دست و صورت می‌دانند. (ابن قدامه، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۴۵۳)

فقها حکم نگاه را به گونه‌ای مورد ملاحظه قرار داده‌اند که عرصه را برای سوءاستفاده کنندگان محدود سازند. از جمله، شهید اول بیان می‌دارد: مرد می‌تواند به صورت زنی که می‌خواهد با او ازدواج نماید نگاه کند، اگر چه از او اجازه نگیرد، بلکه این کار مستحب است. محقق کرکی در این باره چنین می‌گوید: جواز نظر در موردی است که خالی از موانع نکاح بوده و قصد مرد از دواج باشد و امکان اجابت در خواست مرد از سوی زن فراهم باشد. (کرکی، ۱۴۱۱ق، ج ۱۲، ص ۲۷) برخی از فقها برای مشاهده چنین زنی چهار شرط برای

مرد بر شمرده‌اند: ۱. علم به صلاحیت زن برای ازدواج؛ ۲. خالی بودن زن از موانع نکاح؛ ۳. احتمال اجابت از سوی زن؛ ۴. نبود قصد تلذذ، و ترس از افتادن در حرام. (عاملی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۵۲/حلی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۵۷۳)

حکم نگاه کردن زن به خواستگار

در مورد نگاه مرد به زن در جلسه خواستگاری، احادیث و روایات فراوان وجود دارد، ولی در مورد نگاه زن به مرد چندان روایت و حدیثی در دست نیست. بسیاری از فقها معتقدند اگر مردی نتوانست زن را ببیند می‌تواند زنی را به نیابت از خود وکیل کند تا مخطوبه را بنگرد، همچنان که پیامبر . . . ام سلمه را وکیل نمود تا زن مورد علاقه‌اش را بنگرد و به ام سلمه فرمودند: به او بنگر و ظواهر و شمایل او را برای من بیان کن. فقهای مذهب مالکی معتقدند: اگر مرد خواستگار نتواند بنا به دلایلی به مخطوبه نگاه کند، می‌تواند برای این کار زنی را وکیل کند تا به جای او به مخطوبه بنگرد. (در دیر، ۱۲۸۱ق، ج ۱، ص ۲۸۱) فقهای این مذهب معتقدند: برای این امر می‌توان حتی مرد را وکیل کرد. ولی فقهای سایر مذاهب اربعه معتقدند: فقط زن را می‌توان وکیل کرد؛ حال اگر مرد خواستگار نتوانست زن را ببیند و همچنین نتوانست برای این امر زنی را وکیل کند، آیا می‌تواند - مثلاً - به خواهر آن زن بنگرد؟ در این زمینه، فقهای اهل سنت اختلاف نظر دارند. فقهای مذهب شافعی معتقدند: مرد خواستگار فقط مجاز است زن را ببیند مطلقاً و نه دیگران را. (بجیرمی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۲۹۲) جمیع فقهای اهل سنت متفق‌اند که زن نیز می‌تواند به مرد خواستگار بنگرد و همچنین می‌تواند برای نگاه به مرد خواستگار وکیل بگیرد، همچنان که مرد می‌تواند. این مسئله را فقهای مذهب شافعی تصدیق کرده‌اند. (حصری، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۴۰/ابن قدامه،

۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۴۵۴) اما این مسئله مورد اختلاف فقهای شیعه می‌باشد. شهید ثانی، محدث بحرانی و صاحب جواهر معتقدند که نگاه فقط مختص مرد است. صاحب حدائق معتقد است: نگاه مخصوص مرد است. (بحرانی، ۱۳۶۳ق، ج ۲۳، ص ۴۶) صاحب جواهر هم همین عقیده را دارد. (نجفی، ۱۴۰۱ق، ج ۲۹، ص ۶۸) ولی به نظر می‌رسد اینچنین تفکیکی میان زن و مرد، آن هم به عنوان دو شریک زندگی، درست نباشد؛ زیرا اصل بر اشتراک و همسویی حقوق زن و مرد است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «ولهن مثل الذی علیهن بالمعروف» (بقره: ۲۲۸)؛ و برای زنان بر شوهران همانند شوهران بر زنان حقوق مشروعی است. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت: همان گونه که مرد در برابر ازدواج، بهای زیادی (مهریه) می‌پردازد، زن نیز در مقابل، از گوهر عفاف و پاک دامن خود مایه می‌گذارد و بضع و کام خود را تقدیم مرد می‌نماید؛ پس هر دو باید در این انتخاب از حقوق مشترک برخوردار باشند. (طباطبائی یزدی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۴، ص ۱۷) از این رو، در روایت، این حق و حقوق شامل زن هم می‌شود؛ زیرا او نیز خواهان زندگی مشترک و انتخاب شریک صالح است. (شمس‌الدین، ۱۹۹۴م، ج ۱، ص ۲۶۷) به ویژه اینکه اگر مرد زن را نبیند و بعداً بفهمد که فاقد اوصاف دلخواه اوست، راه طلاق برای او هموار می‌شود، ولی اگر زن این گونه باشد، هم از لحاظ روحی و عاطفی و هم از لحاظ شرع و مقررات برای جدا شدن از شوهری که خوشایند او نباشد با مشکلات و موانع بسیاری روبه‌رو می‌شود؛ بنابراین، زن به طریق اولی باید از این حق برخوردار باشد. برخی از بزرگان از باب اشتراک، این حق را برای زن به رسمیت شناخته‌اند و تفاوتی قایل نمی‌شوند. (کرکی، ۱۴۱۱ق، ج ۱۲، ص ۲۹) آیت‌الله خویی در این باره می‌نویسد: نگاه مرد برای خواستگاری از آن حیث جایز شمرده شده است که مرد مهریه‌ای که می‌پردازد و نیز مخارج دیگری را که به عهده می‌گیرد ضایع نشود و خسارت مالی به او وارد نشود؛ از این رو، باید در برابر مالی که می‌دهد

اختیار نگاه کردن داشته باشد. ایشان نگاه را مخصوص مرد می‌داند و برای نظر خود، به این روایت استناد می‌کند: «نما یشتربها باعلی الثمن» (حر عاملی، ۱۰۴، ج ۱۴، باب ۳۶، از ابواب مقدمات نکاح/خویی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۱)؛ همانا مرد، زن را به قیمت گزافی می‌خرد و چنین ضرر مالی و زبانی برای زن وجود ندارد. صاحب ریاض النظره می‌گوید: حکمت نیز اقتضا می‌کند که برای ازدواج، زنان به خواستگاران خود نگاه نکنند؛ زیرا این احتمال وجود دارد که در اثر نگاه شیفته مرد شده و از طرفی دیگر، مرد ممکن است رغبتی به ازدواج نداشته باشد و وصلت صورت نگیرد. (طبری، ۱۹۹۶م، ج ۱، ص ۹۰) اما دیدگاه صاحب ریاض النظره به چند دلیل رد می‌شود:

۱. اگر مرد در اثر نگاه کردن، شیفته زن شود و متقابلاً زن حاضر به ازدواج با او نباشد چه باید کرد؟ آیا این اشکال فقط در صورت شیفته شدن زن رخ می‌دهد؟
۲. شیفته شدن زن یک احتمال است. احتمال مقابل آن این است که ازدواج بدون نگاه صورت نگیرد و به جای شیفته شدن پس از ازدواج، حالت نفرت وجود داشته باشد. در این حالت چه باید کرد؟

به نظر می‌رسد در برخورد با این گونه مسائل یا باید با رویکرد تعبد وارد بحث شد و بر مبنای نصوص اظهار نظر کرد و یا اگر رویکرد تحلیل عقلانی مورد قبول قرار گیرد باید به ادله کاملاً خردپسند و عقلانی اعتماد نمود. البته نگاه برای ازدواج، مسئله‌ای است که در روایات با دید تعبد مطرح نشده است، بلکه با تکیه مکرر به «علت» بر مبنای ارتکاز عقلانی تفهیم صورت گرفته است. شیخ انصاری نیز بیان می‌دارند: اسلام برای جلوگیری از خسارت مالی مرد اهمیت قایل است؛ به علت اینکه مرد در ازدواج تعهدات مالی از قبیل مهریه را می‌پذیرد، او را برای نگاه کردن مجاز می‌داند تا مبادا در اثر جهالت و بی‌خبری از

مورد خواستگاری با ضرر و زیان مواجه گردد؛ و حتماً برای حیثیت و اعتبار زن ارزش و اهمیت بیشتری قایل است و اگر برای جلوگیری از ضرر مالی، نگاه مرد جایز باشد، پس به طریق اولی برای جلوگیری از خسارت نسبت به زندگی آینده زن، نگاه زن نیز جایز است، به خصوص که راه «طلاق» برای مرد پس از ازدواج باز است. در این تحلیل، سرمایه گذاری «مادی» مرد برای ازدواج «حداقل» تلقی شده است. از این رو، این حداقل حتی اگر «علت جواز نظر» نسبت به مرد تلقی شده، مرد هرگز نمی تواند حق زن را برای نگاه در انتخاب همسر انکار کند. برخی محققان با قبول کلام متین و استدلال منطقی شیخ انصاری و با توجه به تنقیح مناط چنین می گویند: تنقیح مناط به این صورت است که همان طوری که شارع مقدس برای ما ارزش قایل شده و نمی خواهد ضرر مالی به شخص مرد بخورد، قطعاً و به طریق اولی ضرر رسیدن به زن را نیز راضی نیست. (طباطبائی حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۱۴، ص ۱۷)

زمان نگاه و تکرار آن

محقق کرکی و شهید ثانی گفته اند: نگاه مرد باید قبل از انجام مراسم خواستگاری باشد و دلیلش این است که باعث عسر و حرج بر مرد می گردد. (کرکی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۷/عاملی، ۱۴۰۶ق، ج ۷، ص ۴۰) ولی صاحب جواهر این دیدگاه را قبول ندارد؛ زیرا معتقد است که این کار باید بعد از انجام خواستگاری باشد. (نجفی، ۱۴۰۱ق، ج ۲۹، ص ۶۶) حال اگر برای خواستگار در نگاه اول چیزی حاصل نشود، آیا می تواند نگاه خود را تکرار نماید؟ علامه حلی تکرار را در صورت عدم مزاحمت برای زن قبول دارد. (حلی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۲۶۸) صاحب جواهر نیز معتقد است که اگر در نگاه اول، مرد نتیجه ای نگرفت، می تواند نگاه را تکرار کند. (نجفی، ۱۴۰۱ق، ج ۲۹، ص ۶۷) فقهای مذهب حنبلی معتقدند که تکرار نظر مرد به زن مطلقاً مانعی

ندارد، اما فقهای مذهب حنفی و شافعی معتقدند: فقط در حالت ضرورت تکرار جایز است نه در هر صورتی. (ابن قدامه، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۱۲۱)

اذن زن در نگاه

فقهای مذهب مالکی معتقدند: نظر افکندن مرد در جلسه خواستگاری باید با اذن مخطوبه باشد و نگاه کردن به زن در حین غفلت کراهت دارد. اما فقهای مذهب شافعی، حنبلی، و امامیه شرط اذن زن را نمی‌پذیرند؛ زیرا معتقدند این امر (اذن مخطوبه) موجب تدلیس و فریبکاری از ناحیه زن می‌شود. (بجیرمی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۲۹۴/عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۵۲) فقهای مذهب حنبلی معتقدند تکرار نظر مرد به زن مطلقاً مانعی ندارد، ولی فقهای حنفی و شافعی معتقدند: فقط در حالت ضرورت نگاه مکرر می‌شود. (ابن قدامه، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۱۲۱)

خلوت با مخطوبه

چنان که گفته شد، پذیرفته شدن خواستگاری و نامزدی، عقد نکاح به شمار نمی‌رود و صرف وعده، ازدواج محسوب نمی‌شود؛ بنابراین، هیچ‌یک از احکام نکاح بر خواستگاری بار نمی‌شود. (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۹، ص ۶۵۰۸) بدین سان، خلوت با زن و رفت و آمد با او به تنهایی جایز نیست؛ زیرا هنوز نسبت به خواستگار بیگانه است. پیامبر گرامی اسلام . . . از خلوت با بیگانه و نشست و برخاست با او بدون وجود شخص محرمی مانند پدر، مادر، برادر یا عموی زن نهی فرموده است؛ از جمله، این حدیث معروف که می‌فرماید: «لا یخلون رجل بامرأة لاتحل له، فان ثالثهما الشیطان، الا محرم»؛ خلوت کردن مرد با زنی که بر او حلال نیست، حرام است؛ زیرا بین آنها شیطان است، مگر اینکه خلوت کردن همراه با فرد محرم صورت

گیرد. (شوکانی، ۱۹۷۳م، ج ۶، ص ۱۱۱) این کار بدین علت حرام است که امکان بر هم خوردن خواستگاری وجود دارد و در این صورت، زن متضرر می‌شود. (حصری، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۴۸) به گفته برخی از بزرگان، این مقدار از روابط، یعنی گفت و گو و صحبت در جلسه‌ای که محرم زن در آنجاست، مورد اطمینان است و از خطر احتمالی به دور است و خواسته طرفین نیز از آن بر آورده می‌گردد و موضع حکیمانه و دور از افراط و تفریط محسوب می‌شود. ولی سایر روابط پیش از نکاح، مانند رفتن نامزدها به اماکن عمومی، از نظر شرعی ممنوع است؛ زیرا هدف نهایی از آن بر آورده نمی‌شود و هر یک از آنان با چهره غیر حقیقی ظاهر می‌شوند. به علاوه، خواستگار و نامزد در کارها عجله می‌کنند و ممکن است انسان به ندای غریزه پاسخ مثبت دهد و همین طور از مقاومت زن در حال تنهایی کاسته می‌شود و به ضرر می‌افتد و در نتیجه، به هنگام عدول از نامزدی از رفتارش پشیمان می‌گردد. (حصری، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۴۸)

نتیجه

خواستگاری در خواستی است که غالباً از جانب جنس مذکر نسبت به ازدواج با جنس مؤنث صورت می‌گیرد و در صورت پذیرش از جانب زن، مقدمه عقد نکاح محسوب می‌گردد، لیکن چنین پیمانی به لحاظ شرعی هیچ‌گونه علقه از دواج و یا محرمیتی ایجاد نمی‌کند. از نظر شرعی، خواستگاری زن از مرد جایز و مباح می‌باشد، لیکن با توجه به حیا و وقار و رفتار خردمندانه توأم با احتیاط زن در این زمینه، پیشنهاد می‌گردد: در بخش حقوق خانواده در مواد مربوط به خواستگاری (بخصوص ماده ۱۰۳۴ قانون مدنی) اصلاحاتی انجام بگیرد که این جواز شرعی و فقهی با رعایت جوانب عرفی، و اوصاف فطری و طبیعی زن، در نظر

گرفته شود تا اینکه حقوق شایسته زن هم در امر خواستگاری و همسرگزینی رعایت شود و به بهانه مأخوذ به حیا بودن زنان و دختران منجر به تزییق و یا تزییع حقوق آنها نگردد. خواستگاری از هر فردی که خالی از موانع شرعی و قانونی باشد مطابق اصل اباحه، مباح و جایز بوده، بلکه از آن حیث که می‌تواند مقدمه پیمان زناشویی قرار بگیرد مستحب می‌باشد. در خصوص حکم خواستگاری از زنی که قبلاً از او فرد دیگری خواستگاری کرده و مورد موافقت قرار گرفته، اختلاف نظر وجود دارد، لیکن در صورتی که عقد نکاح با خواستگار دوم انجام شود، مطابق نظر امامیه، عقد صحیح است. اما در فقه مذاهب اربعه در این خصوص اختلاف نظر وجود دارد.

جواز نگاه کردن به جنس مخالف در امر خواستگاری با رعایت حدود و شرایط آن صرفاً اختصاص به مرد ندارد، بلکه زن نیز می‌تواند به قصد پیوند زناشویی و با مراعات شرایط نگاه شرعی - که توضیح داده شد - به مرد مورد نظر نگاه کند تا حق انتخاب او نیز در همسرگزینی رعایت گردد.

با توجه به اینکه گفته شد خواستگاری و جواز نگاه کردن به جنس مخالف ایجاد علقه ازدواج نمی‌کند، بنابراین، هیچ‌یک از احکام عقد نکاح بر خواستگاری مترتب نمی‌گردد؛ از این رو، خلوت کردن مرد با زنی که به خواستگاری او جواب مثبت داده، و نیز رفت و آمد با او به طور تنهایی جایز نمی‌باشد؛ زیرا از نظر شرعی مادامی که عقد نکاح صورت نگرفته، این دو نسبت به یکدیگر نامحرم محسوب می‌شوند.

منابع

• قرآن کریم.

۱. ابوزهره، محمد؛ **الاحوال الشخصية**؛ ط. الثانية، قاهره: دارالفکر العربی؛ ۱۹۳۶ م.
۲. ابن رشد قرطبی، محمد بن احمد؛ **بداية المجتهد و نهاية المقتصد**؛ ج سوم، قم: شریف الرضی، ۱۴۰۶ ق.
۳. ابن قدامة بن حنبلی، عبدالله؛ **المغنی**؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۳ ق.
۴. انصاری، محمد امین؛ **النکاح**؛ قم: مؤسسه الهادی، ۱۴۱۵ ق.
۵. امامی، اسدالله و صفایی، سید حسین؛ **حقوق خانواده**؛ ج دوم، تهران: میزان، ۱۳۸۵.
۶. باجوری، ابراهیم بن ابی قاسم؛ **الحاشیه علی شرح ابی قاسم الغزی علی متن ابی شجاع**؛ ط. الثانية، مصر: دارالکتب العربیه، ۱۳۶۹ ق.
۷. بجیرمی، سعید؛ **حاشیه البجیرمی علی شرح منهج الطلاب**؛ ط. الثانية، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
۸. بحرانی، یوسف؛ **الحدائق الناضره**؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۳ ق.
۹. جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ **دائرة المعارف حقوق مدنی**؛ تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۵۰.
۱۰. _____؛ **دائرة المعارف علوم اسلامی قضایی**؛ ج دوم، تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۶۷.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن؛ **وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعه**؛ بیروت: دارالاحیاء التراث العربیه، ۱۱۰۴ ق.
۱۲. حصری، احمد؛ **النکاح و القضايا**؛ ط. الثانية، مصر: مكتبة الكليات الازهریه، ۱۴۰۶ ق.
۱۳. حکیم، سید محسن؛ **مستمسک العروة الوثقی**؛ بیروت: دارالاحیاء التراث العربیه، ۱۳۹۲ ق.
۱۴. حلّی، جمال الدین احمد بن محمد اسدی؛ **المهذب البارع فی شرح المختصر النافع**؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ ق.
۱۵. حلّی، جعفر بن حسن؛ **شرائع الاسلام**؛ ط. الثانية، نجف: مطبعة الآداب، ۱۳۸۱ ق.
۱۶. حلّی، حسن بن یوسف؛ **قواعد الاحکام**؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۹ ق.
۱۷. _____؛ **تذكرة الفقهاء**؛ قم: منشورات الرضی، ۱۴۰۴ ق.

١٨. حلی، یحیی بن سعید؛ **الجامع للشرايع**؛ قم: مؤسسه سيدالشهدا، ١٤٠٥ق.
١٩. خمینی، سید روح الله؛ **تحریر الوسيله**؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ١٤٢١ق.
٢٠. خویی، سید ابوالقاسم؛ **مستند العروة الوثقی**؛ قم: منشورات دارالعلم، ١٤٠٤ق.
٢١. در دیر، ابوالبركات المالکی الأزهری؛ **شرح الدردير علی مختصر الخلیل**؛ بیروت: الکتب العلمیه، ١٢٨١ق.
٢٢. زحیلی، وهبه؛ **الفقه الاسلامی و ادلته**؛ ط. الرابعه، دمشق: دارالفکر المعاصر، ١٤١٨ق.
٢٣. سباعی، مصطفی؛ **شرح قانون الاحوال الشخصی**؛ بیروت: المکتب الاسلامی، ١٤١٧ق.
٢٤. سبحانی، جعفر؛ **نظام نکاح فی الشریعة الاسلامیة الغراء**؛ قم: مؤسسه امام صادق، ١٤١٦ق.
٢٥. _____؛ **فرازهای از تاریخ اسلام**؛ ج دوم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ١٤١٥ق.
٢٦. شلبي، محمد مصطفی؛ **احکام الاسرة فی الاسلام**؛ بیروت: دارالنهضة العربیة، ١٣٧٠ق.
٢٧. شوکانی، محمد؛ **نیل الاوطار**؛ ط. الثلاثه، بیروت: دارالجبل، ١٩٧٣م.
٢٨. صابونی، عبدالرحمن؛ **الاحوال الشخصیة السوری فی الزواج و الطلاق**؛ دمشق: دارالفکر العربی، ١٩٧٩م.
٢٩. طباطبائی، سید محمد حسین؛ **المیزان فی تفسیر القرآن**؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ١٣٩٣ق.
٣٠. طباطبائی، سید علی؛ **ریاض المسائل**؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ١٤٢٠ق.
٣١. _____؛ **الشرح الصغیر**؛ قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ١٤٠٩ق.
٣٢. طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم؛ **العروة الوثقی**؛ ج دوم، تهران: دارالمعارف الاسلامیه، ١٤٢٠ق.
٣٣. طبری، ابی جعفر بن احمد؛ **الریاض النظره فی مناقب العشره**؛ ط. الثانيه، بیروت: دارالعرب اسلامی، ١٩٩٦م.
٣٤. طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن؛ **التبیان فی تفسیر القرآن**؛ ط. الثالثه، بیروت: دارالاحیاء التراث العربیة، ١٤٠٩ق.
٣٥. _____؛ **الخلاف**؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ١٤٠٧ق.
٣٦. _____؛ **النهاية**؛ ط. الثانيه، بیروت: دارالکتاب العربی، ١٣٩٠ق.

خواستگاری از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی □ ۹۵

۳۷. عاملی، زین‌الدین؛ **الروضة البهية في شرح اللمعة دمشقية**؛ بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ق.
۳۸. _____؛ **مسالك الافهام إلى تنقيح شرايع الاسلام**؛ قم: مؤسسه المعارف الاسلاميه، ۱۴۱۳ق.
۳۹. عاملی، سید محمد؛ **نهاية المرام**؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ق.
۴۰. فاضل لنکرانی، محمد؛ **النکاح**؛ قم: مرکز فقه الاثمه الاطهار، ۱۴۲۱ق.
۴۱. فخرالمحققین، محمد بن حسن بن یوسف؛ **ایضاح الفوائد في شرح مشکلات القواعد**؛ قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۸۹ق.
۴۲. قرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد انصاری؛ **الجامع لاحکام القرآن**؛ ط. العشرون، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۱۲ق.
۴۳. کاشانی، علاء‌الدین ابوبکر بن مسعود؛ **بدايع الصنایع في ترتيب الشرايع**؛ ط. الثانيه، بیروت: دارالاحیاء التراث، ۱۳۷۷ق.
۴۴. کلینی، محمد بن یعقوب؛ **الكافي في الاصول**؛ ط. الرابعه، بیروت: دارالاضواء، ۱۳۷۲ق.
۴۵. کرکی، علی بن حسین؛ **جامع المقاصد في شرح القواعد**؛ ط. الثانيه، قم: مؤسسه آل‌البيت، ۱۴۱۱ق.
۴۶. مجلسی، محمدباقر؛ **بحار الانوار**؛ تهران: دارالکتب الاسلاميه، ۱۳۶۲.
۴۷. محقق، ابی‌القاسم نجم‌الدین؛ **النکاح**؛ چ دوم، قم: مؤسسه الامام‌العلامه، ۱۳۶۴ق.
۴۸. محقق داماد، سید مصطفی؛ **بررسی فقهی حقوق خانواده**؛ چ ششم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۰.
۴۹. _____؛ **حقوق خانواده نکاح و انحلال آن**؛ چ سوم، تهران: نشر علوم اسلامی، ۱۳۶۸.
۵۰. مسلم، ابن حجاج؛ **صحیح مسلم**؛ ط. الثانيه، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۵۱. مطهری، مرتضی؛ **نظام حقوق زن در اسلام**؛ چ دوم، تهران: صدرا، ۱۳۷۸.
۵۲. نجفی، محمدحسن؛ **جواهر الکلام في شرح شرايع الاسلام**؛ ط. التاسعه، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۱ق.